

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده

سال دهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۴

نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان؛ مطالعه‌ای ملی

جواد خدادادی سنگده^۱

خدابخش احمدی^۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۰۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۱۵

چکیده

با توجه به ضرورت شناسایی عوامل مؤثر بر حجاب و اهمیت شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر چگونگی حجاب در این مطالعه به پیش‌بینی حجاب براساس عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در کشور پرداخته شد. پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن ۲۸۶۸ نفر از دختران و زنان بالای ۱۵ سال کشور به شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته حجاب مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌ها با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری به شیوه گام به گام تجزیه و تحلیل شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد حجاب دارای رابطه مثبت و معناداری با عوامل فرهنگی است. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عوامل فرهنگی قادر به پیش‌بینی ۵۹ درصد از بدحجابی دختران و زنان کشور است. نتایج این مطالعه بیانگر این است که عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در چگونگی حجاب دختران و زنان کشور نقش قابل توجهی ایفا می‌کند؛ بنابراین توجه به این عوامل برای هرگونه اقدام و برنامه‌ریزی در زمینه حجاب بیش از پیش اهمیت دارد.

کلید واژه‌ها: حجاب و فرهنگ، رسانه و حجاب، زنان و حجاب، عوامل فرهنگی و حجاب.

۱ - دکترای مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Javad.khodadadi7@gmail.com

۲ - نویسنده مسئول: استاد مشاوره، مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران

kh_ahmady@yahoo.com

مقدمه

از ویژگیهای که موجود انسانی را از سایر موجودات متمایز می‌سازد، تمایل غریزی به داشتن پوشش و پرهیز از برهنگی است (حسین‌خان‌زاده و همکاران^۱، ۲۰۱۱). این نیاز به پوشش و پرهیز از برهنگی جزو تمایلات فطری انسان است که خداوند متعال در وجود بشر قرار داده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹). حجاب از یک طرف بین افراد جامعه پیوند ایجاد می‌کند و نمادی از فرهنگ، مناسک و آیین‌ها تلقی می‌شود و از طرفی دیگر، ابزار قدرت است که بسیاری از افراد و جوامع اسلامی از آن به شکل مجموعه مرزهایی بین خود و جهان بیرون بهره می‌برند (روبی^۲، ۲۰۰۶). امروزه حجاب به عنوان الزام اجتماعی و بخش جدایی‌ناپذیر هویت و فرهنگ اسلامی، نه تنها بر عصمت و پاکی دلالت دارد بلکه به عنوان سپر حمایتی از زن و مرد مسلمان و در نهایت کل جامعه در برابر تباهی و فساد محافظت می‌کند (درایه^۳، ۲۰۱۰: ۴۹)؛ برای مثال پژوهشی در ارتباط با تجربه و نگرشهای زنان باحجاب در موقعیت‌های شغلی مختلف در سوریه نشان می‌دهد که این زنان ارزش و احترام بیشتری را دریافت می‌کنند؛ نگرانی و مزاحمت‌های جنسی کمتری را تجربه می‌کنند؛ از روابط کاری سالمتری برخوردارند و احساس عزت نفس و رضایت شخصی بیشتری را گزارش می‌کنند. از سوی دیگر مردان نیز برای این نوع زنان احترام و ارزش بیشتری قائل هستند و شیوه رفتاری مثبت و سالمتری با آنها دارند (رد^۴، ۲۰۰۰ و کاملا^۵، ۲۰۱۲: ۷۸).

در فرهنگ اسلامی امروز، بیشتر مردان و زنان تأکید دارند که حجاب برای زن لازم است و امنیت، منزلت و احترام فردی و اجتماعی او را تأمین می‌کند؛ منبع توانمندسازی زنان است به گونه‌ای که قادرند همپای مردان و مطابق با ویژگیهای جسمی و روانی خود رفتار کنند. این نگرش به شکلی است که حتی فمینیست‌های مسلمان نیز معتقدند حجاب نشانه‌ای از بندگی خداست و وظیفه‌ای دینی به شمار می‌رود که اعتراضی بر آن وارد نیست (احمد^۶، ۲۰۱۱: ۳۲ و کاملا، ۲۰۱۲: ۸۰). فرهنگ اسلامی نیز در این راستا برای پیشگیری از انواع آسیبهای اخلاقی و اجتماعی، توجه ویژه‌ای به بستر فرهنگ جامعه دارد و روشهایی را بیان می‌کند که از مهمترین آنها رعایت حجاب در فضای اجتماع است. زن مسلمان با پوشش حجاب خود بیان می‌کند که او به سبک و شیوه

1 - Hosseinkhanzadeh et al.
2 - Ruby
3 - Derayeh
4 - Read
5 - Kamla
6 - Ahmed

خاص رفتار می‌کند و همچنین انتظار دارد که با او به شیوه‌ای خاص رفتار شود (دولکی و همکاران^۱، ۲۰۰۷ و دادلی و کاسینسکی^۲، ۲۰۰۶). رعایت نکردن حجاب و پوشش مناسب از جمله مسائلی است که می‌تواند سلامت فرد، خانواده و جامعه را تهدید کند و تأثیرات آسیب‌زایی به دنبال داشته باشد؛ برای مثال، احمدی و همکاران (۱۳۸۹: ۴۴) در پژوهش خود دریافتند که بدحجابی به لحاظ فردی با انواع آسیب‌های روانی، به لحاظ خانوادگی با آشفتگی و تزلزل بنیان خانواده، به لحاظ اجتماعی با گسترش فساد، کاهش امنیت و افزایش آزار جنسی و به لحاظ دینی با ضعیف شدن اعتقادات و تقیدات دینی همراه است.

نوع حجاب در هر جایگاهی محصول نهادهای فرهنگی و اجتماعی گذشته است. نهادهای اجتماعی علاوه بر تأمین نیازهای اساسی انسانها رفتار آنها را بر اساس الگوهای اجتماعی سازمان یافته و نسبتاً پایدار تعیین می‌کنند و جامعه در راستای نهادینه‌سازی حجاب می‌تواند از ساختارهای مختلف استفاده کند (قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۴۸). منش و هویت ملی افراد هر ملت در فرایند تربیت و پرورش اعضای آن گروه براساس معیارها و الگوهای رفتاری جامعه شکل می‌گیرد که این منش و هویت بخوبی در رفتار و تعاملات افراد مشخص است. کارکرد این الگوها ایجاد نوعی مشابهت و همانندی بین تعاملات اعضای جامعه است. این احساس موجب همبستگی و اتحاد فکری و عملی بین افراد می‌شود (زین آبادی، ۱۳۸۶: ۱۹). در جامعه کنونی ما نوع حجاب، الگویی از رفتار فرهنگی و اجتماعی است که بیش از سایر الگوها در معرض ارزشیابی انتقادی، تغییر و تعدیل قرار گرفته است. حجاب به صورت سنت به نسل جدید می‌رسد؛ بنابراین نیازمند مشروعیت، و لازم است برای آنها تفسیر و تبیین شود. بنابراین با توجه به این مطالب و نقش انکارناپذیر حجاب در حفظ و ارتقای سلامت جامعه و عنایت به تأثیرات جبران‌ناپذیر بدحجابی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی، پرداختن به عوامل فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری نوع حجاب حائز اهمیت است. از سوی دیگر به‌رغم اینکه حجاب هدف حمله تهاجم فرهنگی قرار گرفته، و سالهاست در کشور ما به عنوان موضوع فرهنگی - اجتماعی با تناقضهایی روبه‌رو است، بررسی عوامل مؤثر برای انتخاب برنامه‌های پیشگیرانه از آسیب‌های مرتبط با آن و از سوی دیگر ارتقا و نهادینه کردن حجاب در اقشار مختلف جامعه بیش از پیش ضرورت دارد. بر این اساس این پژوهش درصدد است به بررسی و شناسایی نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای مؤثر بر حجاب دختران و زنان کشور بپردازد.

1 - Douki et al

2 - Dudley & Kosinski

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است که برای بررسی نقش عوامل فرهنگی در وضعیت حجاب انجام شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از تمام دختران و زنان بالای ۱۵ سال کشور جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بود که بر اساس کیفیت حجاب در سه گروه با حجاب برتر (پوشش چادر)، حجاب معمولی (پوشش مقنعه و مانتو معمولی) و با حجاب ضعیف (پوشش شال با مانتو کوتاه و تنگ) جای می‌گرفتند. از این مجموعه، ۲۸۶۸ نفر به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای نمونه‌گیری و انتخاب شدند. در مرحله اول از بین مجموع استانهای کشور، پانزده استان بر حسب پراکندگی جغرافیایی انتخاب شد و مورد مطالعه قرار گرفت. در هر استان نیز به دلیل تنوع بیشتر، نمونه‌ها از شهر مرکز استان انتخاب شدند. در مرحله بعد شهر انتخاب شده به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و بخش مرکزی تقسیم شد و سپس نمونه‌ها از آن مناطق انتخاب شدند و در پژوهش شرکت کردند. برای جمع‌آوری اطلاعات لازم از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

پرسشنامه محقق ساخته حجاب: این پرسشنامه خود گزارشی ۶۵ سؤالی، که ارتباط عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با حجاب را می‌سنجد، ضمن داشتن سؤالات ویژگیهای جمعیت شناختی در هشت مقیاس فرعی تنظیم شده است و سؤالاتی را درباره غرب‌گرایی، ملی‌گرایی، گرایشهای فمینیستی، استفاده از ماهواره، رسانه‌ها و فضای مجازی، گرایشهای فمینیستی و غرب‌گرایی را شامل می‌شود. پاسخ سؤالات از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده بود که مقیاس این پرسشنامه از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) متغیر بود. در بررسی ملاحظات شاخصهای روانسجی این پرسشنامه ضمن تأیید روایی صوری و محتوایی از سوی متخصصان میزان پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ در این پژوهش به دست آمد که بیانگر اعتبار مطلوب پرسشنامه است. قابل ذکر است که پرسشنامه و مواد آن بر اساس ادبیات پژوهش و مطالعات انجام شده در این زمینه ساخته شده است.

یافته‌های پژوهش

از ۳۰۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده برخی پرسشنامه‌ها به دلیل مخدوش و ناقص بودن اطلاعات دموگرافیک از فرایند تجربه و تحلیل حذف شد. بر این اساس نمونه مورد مطالعه شامل ۲۸۶۸ نفر

(۱۱۳۳ نفر با حجاب برتر، ۶۷۷ نفر با حجاب معمولی و ۸۷۲ نفر با حجاب ضعیف) از دختران و زنان بالای ۱۵ سال از ۱۵ استان مختلف کشور بود که آمار آنها به تفکیک استان محل سکونت به شرح جدول ۱ است. میانگین و انحراف معیار سنی افراد شرکت‌کننده به ترتیب ۲۹/۹ و ۹/۹ بود. حدود ۹۱ درصد افراد شرکت‌کننده در پژوهش دارای مذهب شیعه، نزدیک به ۸ درصد اهل سنت و ۱ درصد باقی نیز جزو اقلیتهای دینی بودند. به لحاظ وضعیت تأهل قریب به ۴۵ درصد مجرد، ۵۰ درصد متأهل، ۳ درصد مطلقه و ۲ درصد نیز همسرشان فوت کرده بود. از نظر تحصیلات ۴۳/۷ درصد دارای مدرک کاردانی و کارشناسی، ۲۹/۹ درصد دیپلم، حدود ۸ درصد دبیرستانی، ۷ درصد راهنمایی، ۶ درصد ارشد و ۵ درصد ابتدایی بودند. به لحاظ وضعیت شغلی نیز حدود ۳۹ درصد خانه دار، ۲۸ درصد دانشجو، ۲۲ درصد شاغل، ۵/۵ درصد دانش‌آموز و ۱/۱ درصد بازنشسته بودند.

جدول ۱: آمار شرکت‌کننده‌گان در پژوهش به تفکیک استان محل سکونت

ردیف	استان	فراوانی	درصد
۱	اردبیل	۱۸۰	۶/۳
۲	اصفهان	۱۷۳	۶
۳	بوشهر	۱۷۳	۶
۴	تهران	۴۵۲	۱۵/۸
۵	خراسان رضوی	۱۷۴	۶/۱
۶	خوزستان	۱۵۸	۵/۵
۷	سیستان و بلوچستان	۱۷۹	۶/۲
۸	قم	۱۴۲	۵
۹	کردستان	۱۸۱	۶/۳
۱۰	کرمان	۱۷۱	۶
۱۱	گلستان	۱۷۸	۶/۲
۱۲	گیلان	۱۷۵	۶/۱
۱۳	مازندران	۱۷۵	۶/۱
۱۴	هرمزگان	۱۷۷	۶/۲
۱۵	همدان	۱۸۰	۶/۳
	کل	۲۸۶۸	۱۰۰

قبل از ورود به تحلیل، آماره‌های توصیفی مربوط به هشت عامل اجتماعی غرب‌گرایی،

ملی گرایی، گرایشهای فمینیستی، تهاجم فرهنگی شامل گرایش به فیلمهای مبتذل، استفاده از ماهواره، استفاده از سایتهای غیرمجاز، استفاده نامناسب از چت روم و استفاده از فیس بوک به تفکیک کیفیت حجاب (گروه حجاب برتر، حجاب معمولی و حجاب ضعیف) بررسی شد که جدول ۲ این نتایج را نشان می دهد.

جدول ۲: آماره های توصیفی متغیرهای وابسته پژوهش به تفکیک نوع حجاب

متغیرهای وابسته	نوع پوشش (حجاب)	میانگین	انحراف معیار	تعداد
غربگرایی	برتر	۵/۸۸	۲/۵۳	۱۱۳۳
	معمولی	۷/۸۳	۳/۲۲	۶۷۷
	ضعیف	۱۱/۶۷	۴/۱۴	۸۷۲
گرایش به فیلمهای مبتذل	برتر	۱/۲۳	۰/۶۰	۱۱۳۳
	معمولی	۱/۴۴	۰/۷۶	۶۷۷
	ضعیف	۲/۱۱	۱/۰۸	۸۷۲
استفاده از ماهواره	برتر	۱/۴۹	۰/۸۸	۱۱۳۳
	معمولی	۲/۲۰	۱/۲۵	۶۷۷
	ضعیف	۳/۲۵	۱/۳۱	۸۷۲
استفاده از سایتهای غیرمجاز	برتر	۱/۱۳	۰/۴۷	۱۱۳۳
	معمولی	۱/۲۶	۰/۶۰	۶۷۷
	ضعیف	۱/۸۷	۱/۱۰	۸۷۲
استفاده نامناسب از چت روم	برتر	۱/۰۸	۰/۳۹	۱۱۳۳
	معمولی	۱/۱۹	۰/۵۷	۶۷۷
	ضعیف	۱/۷۶	۱/۱۰	۸۷۲
استفاده از فیس بوک	برتر	۱/۲۴	۰/۷۲	۱۱۳۳
	معمولی	۱/۵۳	۰/۹۵	۶۷۷
	ضعیف	۲/۴۳	۱/۴۶	۸۷۲
ملی گرایی	برتر	۴/۱۳	۱/۹۶	۱۱۳۳
	معمولی	۳/۶۲	۱/۱۸	۶۷۷
	ضعیف	۲/۹۰	۰/۹۶	۸۷۲
گرایشهای فمینیستی	برتر	۹/۸۲	۲/۸۲	۱۱۳۳
	معمولی	۸/۸۲	۲/۸۶	۶۷۷
	ضعیف	۷/۳۴	۲/۸۶	۸۷۲

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد در تمامی متغیرها بجز ملی‌گرایی افراد با حجاب ضعیف میزان بیشتری را نسبت به افراد با حجاب برتر نشان می‌دهند و فقط در متغیر ملی‌گرایی این میزان در افراد با حجاب برتر بیشتر است. در ادامه برای بررسی سؤال پژوهش از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد؛ از این روش برای بررسی ضریب همبستگی چندگانه بین عوامل فرهنگی و رسانه‌ای و میزان بدحجابی، تعیین بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها (مهمترین عوامل تأثیرگذار) از بین عوامل فرهنگی و ضرایب تأثیر آنها استفاده شد. در این تحلیل بدحجابی زنان و دختران ایرانی به عنوان متغیر ملاک و عوامل فرهنگی شامل غرب‌گرایی، ملی‌گرایی و تهاجم فرهنگی شامل گرایش به فیلمهای مبتذل، استفاده از ماهواره، استفاده از سایتهای غیرمجاز، استفاده نامناسب از چت روم و استفاده از فیس بوک به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله شد.

جدول ۳: همبستگی بین متغیرها و آماره‌های توصیفی

همبستگی دو متغیره								
۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
							۱	۱ - غرب‌گرایی
						۱	۰/۳۵۹**	۲ - استفاده از ماهواره
					۱	-۰/۲۸۵**	-۰/۵۰۴**	۳ - ملی‌گرایی
				۱	-۰/۴۲۱**	۰/۳۲۱**	۰/۳۲۶**	۴ - فیلمهای مبتذل
			۱	۰/۴۷۵**	-۰/۵۰۰**	۰/۴۴۲**	۰/۵۷۶**	۵ - سایتهای غیرمجاز
		۱	۰/۳۴۶**	۰/۱۹۵**	-۰/۲۸۴**	۰/۲۴۱**	۰/۳۵۹**	۶ - گرایشهای فمینیستی
	۱	۰/۴۳۸**	۰/۶۸۷**	۰/۳۸۸**	-۰/۵۴۷**	۰/۳۹۶**	۰/۶۹۹**	۷ - فیس بوک و چت روم
۱	۰/۷۱۵**	۰/۳۸۹**	۰/۶۷۵**	۰/۴۱۳**	-۰/۵۵۸**	۰/۴۲۵**	۰/۷۱۳**	۸ - نوع حجاب

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که حجاب در دختران و زنان ایرانی با تمام عوامل فرهنگی در این پژوهش ارتباط معناداری دارد. در ادامه، مهمترین عوامل فرهنگی مؤثر بر کیفیت حجاب در خلال هفت گام با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استخراج شد و بیشینه ضریب همبستگی چندگانه محاسبه شد (جدول ۴).

جدول ۴: خلاصه الگوی پیش بینی بدحجابی زنان و دختران ایرانی

گام	پیش بین	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R2)	خطای برآورد	F	معناداری
۱	غربگرایی	۰/۵۸۴	۰/۳۴۱	۰/۶۸۶۸۴۸۲۰	۲۷۹۵/۷۵۷	۰/۰۰۰
۲	غربگرایی و استفاده از ماهواره	۰/۶۲۵	۰/۳۹۰	۰/۶۲۱۳۱۵۰۹	۲۰۰۶/۳۹۲	۰/۰۰۰
۳	غربگرایی، استفاده از ماهواره، فیلمهای مبتدل	۰/۶۸۴	۰/۴۶۷	۰/۵۸۹۱۳۵۶۷	۱۵۸۱/۲۵۹	۰/۰۰۰
۴	غربگرایی، استفاده از ماهواره، فیلمهای مبتدل، فیس بوک	۰/۷۰۳	۰/۴۹۴	۰/۵۷۹۴۴۱۲۴	۱۲۵۴/۲۲۷	۰/۰۰۰
۵	غربگرایی، استفاده از ماهواره، فیلمهای مبتدل، فیس بوک و گرایشهای فمینیستی	۰/۷۴۸	۰/۵۵۹	۰/۵۷۵۴۸۲۴۲	۱۰۲۴/۸۲۵	۰/۰۰۰
۶	غربگرایی، استفاده از ماهواره، فیلمهای مبتدل، فیس بوک، گرایشهای فمینیستی و چت روم	۰/۷۶۱	۰/۵۷۹	۰/۵۷۴۱۳۱۱۹	۸۶۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
۷	غربگرایی، گرایش به فیلمهای مبتدل، استفاده از ماهواره، استفاده از فیس بوک، گرایشهای فمینیستی و استفاده نامناسب از چت روم و ملی گرایی	۰/۷۶۸	۰/۵۹۰	۰/۵۷۳۲۴۵۲۲	۷۴۱/۰۱۸	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که با توجه به معناداری F، ضریب همبستگی چندگانه معنادار است و نشان از ارتباط معنادار و قدرتمند هفت عامل فرهنگی با بدحجابی دارد. علاوه بر این، معناداری آماره F در این الگو، نشان می‌دهد که الگوی پیش‌بینی بدحجابی با هفت عامل فرهنگی، الگوی مناسبی برای برازش داده‌ها در این زمینه است و در کل، این هفت عامل فرهنگی قادر به تبیین (پیش‌بینی) ۵۹ درصد از واریانس (تغییرات) میزان بدحجابی در دختران و زنان ایرانی است. در نهایت، جدول شماره ۵، ضرایب رگرسیون، ضرایب بتا و معناداری این ضرایب را برای نشان دادن نقش پیش‌بینی کننده هفت متغیر پیش‌بین استخراج شده در تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد (گام آخر).

جدول ۵: ضرایب رگرسیون عوامل فرهنگی بر میزان بدحجابی در دختران و زنان ایرانی

متغیر	ضریب رگرسیون (B)	خطای معیار	ضریب تأثیر (β)	t	سطح معناداری
ثابت	-۱/۲۶۰	۰/۰۸۵		-۱۴/۸۳۲	۰/۰۰۰۱
غربگرایی	۰/۰۹۱	۰/۰۰۵	۰/۳۸۴	۱۸/۴۶۴	۰/۰۰۰۱
فیلمهای مبتدل	۰/۱۳۵	۰/۰۱۸	۰/۱۲۶	۷/۳۱۸	۰/۰۰۰۱
استفاده از ماهواره	۰/۱۲۱	۰/۰۱۲	۰/۱۶۸	۹/۹۵۷	۰/۰۰۰۱
استفاده از فیس بوک	۰/۰۸۳	۰/۰۱۴	۰/۱۰۰	۵/۹۲۱	۰/۰۰۰۱
گرایشهای فمینیستی	۰/۰۲۰	۰/۰۰۵	۰/۰۶۱	۴/۳۹۳	۰/۰۰۰۱
استفاده نامناسب از چت روم	۰/۰۹۶	۰/۰۲۱	۰/۰۷۸	۴/۶۶۷	۰/۰۰۰۱
ملی‌گرایی	-۰/۰۴۰	۰/۰۱۳	-۰/۰۵۱	-۳/۱۰۲	۰/۰۰۲

متغیر ملاک: بدحجابی

معناداری آماره t در جدول ۵ نشان‌دهنده این است که همه هفت متغیر پیش‌بین یعنی غربگرایی، گرایش به فیلمهای مبتدل، استفاده از ماهواره، استفاده از فیس بوک، گرایشهای فمینیستی و استفاده نامناسب از چت روم و ملی‌گرایی تأثیر آماری معناداری در تبیین بدحجابی در دختران و زنان ایرانی دارد. هم‌چنین، میزان ضریب رگرسیون معیارشده یا ضریب تأثیر (ضریب بتا) نیز نشان می‌دهد که از بین هفت متغیر پیش‌بین استخراج شده از روش رگرسیون گام‌به‌گام به ترتیب غربگرایی، استفاده از ماهواره، گرایش به فیلمهای مبتدل و استفاده از فیس بوک مهمترین عوامل مؤثر بر میزان بدحجابی زنان و دختران ایرانی است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌های مؤثر بر بدحجابی دختران و زنان کشور صورت گرفت. برای رسیدن به این هدف بر مبنای پیشینه پژوهشهای مختلف و ادبیات علمی در مجموع هفت عامل فرهنگی شامل غربگرایی، ملی‌گرایی، گرایشهای فمینیستی، گرایش به فیلمهای مبتدل، استفاده از ماهواره، استفاده از فیس بوک و استفاده نامناسب از چت روم به عنوان متغیر پیش‌بین وارد معادله شد. در ابتدا بررسی مقایسه‌ای نشان داد که افراد بدحجاب در مقایسه با افراد با حجاب معمولی و حجاب برتر میزان بیشتری از غربگرایی، استفاده از ماهواره، گرایش به فیلمهای مبتدل، استفاده از فیس‌بوک، چت روم و گرایشهای فمینیستی را نشان می‌دهند

و فقط در متغیر ملی گرایی این میزان در افراد باحجاب برتر بیشتر بود. تحلیل رگرسیونی در گام نخست نشان داد که عوامل مذکور قادر به تبیین (پیش‌بینی) ۵۹ درصد از واریانس بدحجابی در دختران و زنان کشور است. در گام بعدی در تحلیلی جزئی‌تر مشخص شد که غربگرایی با ضریب تأثیر (۰/۳۸)، استفاده از ماهواره با ضریب تأثیر (۰/۱۶)، گرایش به فیلمهای مبتدل با ضریب تأثیر (۰/۱۲)، استفاده از فیس بوک با ضریب تأثیر (۰/۱۰)، گرایشهای فمینیستی با ضریب تأثیر (۰/۰۶) و استفاده نامناسب از چت روم با ضریب تأثیر (۰/۰۷) دارای رابطه معنادار مستقیمی با بدحجابی است و تنها عامل ملی گرایی با بدحجابی ارتباط معکوسی دارد.

در گام نهایی تحلیل به صورت دقیقتر مشخص شد که از بین عوامل فرهنگی به ترتیب سه عامل غربگرایی، استفاده از ماهواره و تماشای فیلمهای مبتدل به ترتیب بیشترین سهم را در پیش‌بینی بدحجابی زنان و دختران کشور دارند. بنابراین با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت هر چقدر مدگرایی، استفاده نامناسب از فضای مجازی و غربگرایی در فرد بیشتر باشد به همان میزان احتمال کشیده شدن به سمت آسیب بدحجابی بیشتر است و بالعکس. این یافته با نتایج پژوهشهای کاملا (۲۰۱۲)، دوکی و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، داریه (۲۰۱۰)، محمود و سامی^۲ (۲۰۱۰)، دروگسما (۲۰۰۷)، دانکل، دیویدسون و کوراشی (۲۰۰۷)، احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، رجبی (۱۳۸۹)، آقایی چاووشی و همکاران (۱۳۸۹) و فتحی آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) همخوان است.

در تبیین و تفسیر این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که دنیای امروز با همه گستردگی خود، دهکده جهانی نامیده می‌شود و رشد رسانه‌های نوین و فضاهای مجازی و سرعت انتقال اطلاعات به گونه‌ای است که گویا مرزهای زمانی و مکانی را در نوردیده و موجب تداخل فرهنگها و تعامل انسان‌ها شده است. رسانه‌ها و فضای مجازی می‌توانند ابزار ارتباطی مناسبی بین افراد باشد مشروط بر اینکه کاربران آنها از مصونیت کافی برخوردار باشند. استفاده نادرست از فضای مجازی و رسانه‌های ارتباط جمعی موجب افول سرمایه اجتماعی است و مانع توجه افراد به هنجارهای مطلوب اجتماع واقعی می‌شود. این آسیب‌پذیری در حوزه‌های مختلف مانند مدگرایی، گرایش به غرب، تمایل به دوستی با جنس مخالف، ضعف اعتقادات و ارزشهای اسلامی و گرایش به رسانه‌ها و شبکه‌های خارجی، سایتهای غیرمجاز و فیلمهای مبتدل خود را نشان داده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶). بنابراین افرادی که از فضای مجازی به شکل ناصحیح استفاده می‌کنند به

1 - Douki et al.

2 - Mahmud & sammi

دلیل کارکرد و ماهیت رسانه‌های مجازی، که عمدتاً در وضعیت کنونی ابزار تهاجم فرهنگی هستند به مرور از میزان حساسیت و قید و بندهایشان نسبت به هنجارها کاسته می‌شود و تمایل بیشتری به رفتارهای خلاف هنجار نشان می‌دهند (محمود و سامی، ۲۰۱۰: ۶۸). بر این اساس استفاده نادرست از فضای مجازی بخوبی می‌تواند با تغییر تدریجی نگرش فرد نسبت به حجاب به عنوان هنجار فرهنگی و کاهش حساسیتها نسبت به آن در گسترش بدحجابی نقش داشته باشد؛ پس این نگرانی هست که زنان برای مقابله با این چالشها و مقاومت در برابر فشارهای فرهنگی و قدرت رسانه‌ها، توانمندی خود را نادیده می‌گیرند و پوشش خود را تغییر می‌دهند (هیرچمان، ۲۰۰۳، به نقل از کاملا، ۲۰۱۲: ۷۶).

از سوی دیگر غربگرایی، استفاده از ماهواره، گرایش به فیلمهای مبتذل، گرایشهای فمینیستی، استفاده ناسالم از فیس‌بوک و چت روم و به صورت کلی فضای مجازی در قالب تهاجم فرهنگی نیز قابل تبیین است. تهاجم فرهنگی حرکتی مرموزانه، حسابشده، همراه با برنامه‌ریزی دقیق و با استفاده از شیوه‌ها و ابزار و امکانات متعدد و گوناگون برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزشها، تغییر آداب و رسوم و اصول اخلاقی حاکم بر جامعه است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹، ۲۹). تا زمانی که در هر کشور، فرهنگ خودی به حیات خود ادامه دهد و قدرت هضم و دفع تازه‌های فرهنگ وارداتی را داشته باشد، هیچ‌گونه آسیبی نخواهد دید ولی اگر فرهنگ خودی، پویایی و جذابیت خود را از دست بدهد و قدرت انطباق با مقتضیات زمان را نداشته باشد، فرهنگ بیگانه براحتی می‌تواند جایگاه خود را پیدا کند و فرهنگ خودی را به انحطاط و فراموشی سپارد (کاویانی، ۱۴: ۱۳۸۸). تقابل با فرهنگ حاکم، تجمل‌گرایی، مدگرایی در حوزه‌های مختلف زندگی، ارائه مکاتب انحرافی، گسترش فیلمهای مبتذل و عادی‌سازی انواع رفتارهای پرخطر، شکلهای مختلف تهاجم فرهنگی است (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۵). تهاجم فرهنگی با استفاده از بی‌توجهی به فرهنگ خودی از طریق قدرت رسانه‌ها بویژه فضای مجازی تلاش می‌کند با گرایش فرد به این تفکرات و ترجیح آن به نگرشها و فرهنگ حاکم بر جامعه خود در جهت تضعیف هنجارهای جامعه همچون حجاب گام بردارد.

انتخاب برای داشتن یا نداشتن حجاب از سوی زنان نیازمند این درک است که آنها نقش پراهمیت خود را برای رویارویی با چالشها و تغییرات پرفشار عصر حاضر در بستر خانوادگی،

فرهنگی و اجتماعی بشناسند (لی^۱، ۲۰۱۰). می‌توان بیان کرد افرادی که تمایل بیشتری به غربگرایی دارند با سرعت بیشتری به تغییرات اجتماعی پاسخ مثبت می‌دهند؛ به سبک پوشش مد روز تمایل دارند و ارزش و اهمیت کمتری به ارزشها و سنتها می‌دهند. این قبیل افراد در زمینه نوع پوشش، ثبات و پایایی کمتری را نشان می‌دهند و صرفاً طبق مد روز به انتخاب نوع پوشش خود دست می‌زنند. از سوی دیگر بخوبی روشن است که از آثار ناشی از تهاجم فرهنگی غرب، ظهور و گسترش دیدگاه فمینیستی است که در چند دهه اخیر جنبش دفاع از حقوق زنان برای اعتراض به برخی نابرابریهای اجتماعی شکل گرفت. این نهضت معتقد است که در وضعیت کنونی، نابرابری زیادی وجود دارد و معمولاً زنان در وضعیت بدتری نسبت به مردان به سر می‌برند (آقایانی چاووشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۸). این دیدگاه تساویگری زن و مرد در کشورهای اسلامی بویژه کشور ما با توجه به جوان بودن ترکیب سنی آن گسترش یافته است. پذیرش تفکرات فمینیستی از سوی فرد حرکت به سمت سبک زندگی غربگرایانه را شتاب می‌بخشد که گرایش به مد، مصرف‌گرایی، فرهنگ بیگانه و مخالفت ورزی با ارزشهای گذشته را به همراه دارد. گسترش این دیدگاه موجب می‌شود زنان نقشهای همسری و مادری را بخوبی انجام ندهند؛ نقشهای خانوادگی تغییر یابد؛ تبعیت پذیری در خانواده متزلزل، و مدیریت خانوادگی دچار آشفتگی شود (محمود و سامی، ۲۰۱۰: ۶۹). آزادی زن به قیمت گسستگی خانواده تمام شد؛ تربیت معنای دیگری یافت و در چنین اوضاعی شاهد انواع آسیبهای مختلف در حوزه فردی و اجتماعی مانند افزایش تعارضات زناشویی و بدحجابی خواهیم بود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین آشکار است عادی سازی روابط ناپسند از طریق تهاجم فرهنگی و فضاهای مجازی، زمینه سست شدن ارزشها و اعتقادات فرد را فراهم می‌سازد. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که با نفوذ این متغیرهای فرهنگی گرایش به حجاب ضعیف افزایش یابد.

مطالعه نشان داد که ملی‌گرایی با گرایش به بدحجابی رابطه معکوس دارد. ملی‌گرایی از ویژگیهای کلیدی فرایند جامعه‌پذیری صحیح و سالم است. افرادی که از جامعه‌پذیری مناسبی برخوردار هستند و آموزه‌ها و اصول اساسی زندگی اجتماعی را از سامانه‌های آموزشی رسمی و غیر رسمی طی دوران رشد بویژه سالهای کودکی و نوجوانی کسب کرده‌اند، نسبت به هویت فرهنگی و اجتماعی خود حساسیت و اهمیت بیشتری نشان می‌دهند (کوئین^۲، ۲۰۰۴: ۱۱۵) و در

1 - Li
2 - Queen

عین حال میزان هنجارشکنی و تقابل با هنجارهای عمومی جامعه در آنها بسیار کم است (احمدی و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۸). بنابراین مشهود است افرادی که میزان ملی‌گرایی در آنها بیشتر است، هماهنگی و سازگاری بیشتری با هنجارهای فرهنگی نشان می‌دهند و در حوزه نوع پوشش نیز این افراد با حجاب برتر و معمولی که مطلوب جامعه است از هماهنگی بیشتری برخوردار هستند. بر این اساس منطقی است که هرچه میزان هویت ملی در دختران و زنان بیشتر باشد به همان میزان کیفیت حجاب بهتر است و احتمال بدحجابی کمتر باشد.

این پژوهش به نوبه خود با محدودیتهایی روبه‌رو است. علاوه بر خود گزارشی بودن پرسشنامه، نمونه مورد مطالعه از همه استانهای کشور انتخاب نشده است؛ لذا تعمیم این نتایج به همه دختران و زنان کشور مستلزم رعایت احتیاط است. از سوی دیگر حجاب ضعیف از عوامل اجتماعی و فرهنگی دیگری تأثیر می‌پذیرد که در این مطالعه به آنها پرداخته نشده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای آینده مورد توجه قرار گیرد؛ با این حال اطلاعات این پژوهش می‌تواند دستمایه پژوهشهای دیگر در این زمینه قرار گیرد تا اطلاعات دقیقتر و جامعتری برای هرگونه تصمیم‌گیری و اقدامی فراهم شود.

پیشنهاها

با توجه به یافته‌های این مطالعه و مطالب مطرح شده، پیشنهاد می‌شود:

۱ - گرایش به غرب‌بیشترین سهم را در پیش‌بینی بدحجابی دارا بود. بر این اساس لازم است توجه بیشتری به این مقوله، و عوامل بسترساز غربگرایی شناسایی شود تا اقدامات متناسب با آن صورت پذیرد.

۲ - تمایل به عضویت در فیس بوک، استفاده از سایتهای غیر مجاز و استفاده از چت روم با گرایش به بدحجابی در ارتباط است. فضای مجازی به‌رغم کارکردهای مثبتی که می‌تواند داشته باشد در صورت عدم آگاهی و استفاده ناصحیح نقش بسیار پر اهمیتی در بروز آسیب بدحجابی دارد؛ به این دلیل لزوم نظارت و دقت بیشتر از سوی والدین بر این قبیل امور فرزندان مثل ساعات محدود و معین برای استفاده، قرار داشتن رایانه در محل دید اعضای خانواده، نظارت و مشارکت در استفاده اینترنت و هم‌چنین ایجاد رابطه با کیفیت و گرم (نه سختگیرانه و نه سهلگیرانه) مفید و سودمند است.

- ۳- استفاده از ماهواره نقش معناداری در گرایش به بدحجابی نشان می‌دهد. این امر به این معنا می‌تواند باشد که برنامه‌های رسانه‌های داخلی در جلب مخاطب کارآمدی چندانی نشان نمی‌دهد. لازم است ضمن شناخت سلیقه مخاطب به ترویج هنجارهای مناسب از طریق این برنامه‌ها پرداخت. انتخاب راهبردهایی برای تمایل نداشتن به استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای گام مؤثری برای جلوگیری از گسترش بدحجابی است.
- ۴- لازم است برنامه‌های توسعه حجاب الگوسازانه، منطبق با ویژگیهای سنی، جنسی و فردی و شخصیتی افراد باشد و از مداخلات احساسی، هیجانی و بویژه سیاسی پرهیز جدی شود.
- ۵- اقدامات سبک و غیر علمی در مصون سازی و بویژه برخورد های تصادفی و مبتنی بر روشهای غیر علمی مانند آنچه در مورد ماهواره و اینترنت انجام می‌شود، آسیب زا است و از هر گونه اقدامات غیر علمی پرهیز شود.
- ۶- مصون سازی جوانان، تغذیه فرهنگی جوانان، گسترش فرصتهای اوقات فراغت سالم و افزایش محبوبیت نظام جمهوری اسلامی بین جوانان و نهایتاً تقویت هویت ملی می‌تواند کمک کننده و موجب توسعه حجاب در جامعه باشد.

منابع

- آقایانی چاوشی، اکبر؛ طالبیان، داود، حبیبی، مهدی؛ دهاقین، وحیده؛ انوری، سمیه سادات (۱۳۸۹). دیدگاه جوانان و میانسالان در مورد حجاب برتر. *مجله علوم رفتاری*. ۴(۱): ۷۷ - ۸۱
- احمدی، خدابخش؛ بیگدلی، زهرا؛ مرادی، آزاده؛ سید اسماعیلی، فتح الله (۱۳۸۹). رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی. *مجله علوم رفتاری*. ۴(۲): ۹۷ - ۱۰۲.
- احمدی، خدابخش؛ فتحی آشتیانی، علی؛ عرب‌نیا، علی‌رضا (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی. *فصلنامه خانواده پژوهی*. ۲(۵): ۵۵ - ۶۷.
- ایازی، محمد علی (۱۳۸۶). بررسی الزام حجاب در حکومت دینی. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*. ۹(۳۶): ۱۶۱ - ۱۸۸.
- رجبی، سوران (۱۳۸۹). بررسی میزان رعایت حجاب برتر و تأثیر آن بر شادکامی. *دو فصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه*. س هفتم، ش ۲۵.
- زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۶). جامعه پذیری حجاب. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*. ۱۰(۳۸): ۱۸۱ - ۲۱۸.

فتحی آشتیانی، علی؛ طالبیان، داود؛ قاضی، روح الله؛ آقایانی جاوشی، اکبر، دهاقین، وحیده؛ حبیبی، مهدی (۱۳۸۵). بررسی دیدگاه‌ها و مشکلات موجود در اجرای حجاب برتر و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود وضع موجود. *طرح تحقیقاتی مرکز علوم رفتاری*. تهران: دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج).
 قلی پور، آرین (۱۳۸۶). نقش دولت در نهادینه سازی حجاب. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*. ۱۰(۳۸): ۹-۳۶.

کاویانی، محمد (۱۳۸۸). *روان شناسی و تبلیغات*. چ دوم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- Ahmadi, Kh.; Khodadadi Sangdeh, J.; Aminimanesh, S; Mollazamani, A; & Khanzade, M.(2013). The Role of Parental Monitoring and Affiliation with Deviant Peers In Adolescents' Sexual Risk Taking: Toward an Interactional Mode. **International Journal of High Risk Behavior Addict**. 2(1): 22-7.
- Ahmed. L.(2011). **A quiet revolution: the veil's resurgence, from the Middle East to America**. New Haven and London: Yale University press.
- Derayeh, M.(2010). Depiction of woman in Iranian cinema, 1970s to Present. **Women's Studies International Forum** 33:151-158.
- Douki, S., Zineb, B., Nacef, F., & Halberich, U.(2007). Women's mental health in the Muslim World: cultural, religious, and social issues. **Journal of Affective Disorders**, 102, 177189.
- Droogsma, R. A.(2007). Redefining hijab: American Muslim women's standpoint on veiling. **Journal of Applied communication**, 35, 249-319.
- Dudley, M., & Kosinski, F. (2006). Religiosity and marital satisfaction: A research note. **Review of Religious Research**, 32(1), 78-86.
- Dunkel, M. T., Davidson, D., & Qurashi, S.(2010). Body satisfaction and pressure to be thin in younger and older Muslim and non-Muslim women: The role of western and non-western dress preferences. **Journal Body Image**, 7:56-65.
- Hosseinkhanzadeh, A. A., Niayazi, E, Mosavi, V., & Zahedi, M.(2011). Investigating Relationship between personality traits and Problem-solving Techniques in female college student with Appropriate and Inappropriate Hijab. **social and behavioral sciences**, 15:501-04.
- Kamla, R.(2012). Syrian women accountants attitudes and experiences at work in the context of globalization. *Accounting* , **Organization and Society** 37:188-205.
- Li, S.(2010). **Something to freedom: The choice of bondage in narratives by African American women**. Suny press.
- Mahmud, Y., & Swami, V.(2010). The influence of the hijab (Islamic head-cover) on perception of women attractiveness and intelligence. **Journal Body Image**, 7: 90-93.
- Queen WH.(2004). **Family Solutions for Youth at Risk: Applications to Juvenile Delinquency, Truancy, and Behavior Problems**. 1st ed. New York: Brunner-Rutledge.
- Read, G. J., & Bartkowski, P. J.(2000). To veil or not to veil? A case study of identity negotiation among Muslim women in Austin. **Gender and society**, 14(3), 395-417.
- Ruby, T.F.(2006). Listening to the voices of hijab, **women's Studies International Forum** 29(2006)54-66.